

آذربایجان از ایران چه می خواهد؟

سرویس آذربایجان/خبرگزاری آران

سیدجواد آرامی(اسلام تایمز)

خبرگزاری آران / سرویس آذربایجان : افزایش روابط ایران و آذربایجان در همه ابعاد و جلوگیری از نفوذ بیگانگان تنها عامل ایجاد ثبات دائمی در آذربایجان می باشد و به آنها توصیه می شود همانطور که دوستی "ادوارد شوارندادزه" با "جورج سوروس" باعث سقوط وی از قدرت شد ، رابطه دولت آذربایجان با اسرائیل نیز یک روز باعث سقوط دولت آذربایجان می شود ، امری که بصورت پنهانی و بدور از چشم مقامات آذری در حال وقوع می باشد.

با فروپاشی شوروی سابق و استقلال کشورهای قفقاز ، ج.ا.ا اقدام به شناسایی این کشورها و برقراری روابط با آنها کرد ، اما دیری نپایید که میان دو کشور آذربایجان و ارمنستان جنگ خانمانسوزی شکل گرفت که مقدمات آن قبل از فروپاشی شوروی آغاز شده بود ، در این میان دو کشور سعی کردند تا با سوء استفاده از روابط با ایران از این اهرم علیه دیگری استفاده کنند ، اما ج.ا.ا همواره سعی می کرد با بزرگواری و رعایت مسائل انسان دوستانه به طرفداری از یک طرف متهم نشود ، از آنجا که آذری ها از لحاظ فرهنگی و مذهبی با ایرانی ها مشترکات زیادی داشتند این توقع ایجاد شده بود که ج.ا.ا حتما باید چشم و گوش بسته از آذری ها حمایت کند و در این خصوص آذری ها این حق را برای خود قایل شده بودند که ایران باید روابط خود را با ارمنستان قطع کند ، اما این سوال مطرح می شود که آیا این درخواست ، خواسته به حقی بوده یا نه و این در حالی بوده که در ایران تعداد زیادی از هموطنان ارمنی زندگی می کردند که خواستار حمایت ج.ا.ا از مردم ارمنستان بودند تا آنها را از این محاصره ژئوپلیتیکی نجات بدهند.

با همه اوضاع و احوال ، ج.ا.ا تلاش کرد تا با میانجیگری و کنترل اوضاع از کشتار انسانها و آواره شدن آنها جلوگیری کند که متاسفانه به علت دسیسه های غربی ها و خیانت اعضای نفوذی حزب دانشاکیون ارمنستان در دولت این کشور و خیانتهای بعضی از عناصر پان آذربیسیم حاضر در دولت آذربایجان تمام تلاش های ج.ا.ا با شکست مواجه شد و از آن پس ، کشورهای غربی با دخالت در این موضوع به منظور نفوذ در این دو دولت تازه تاسیس وارد معرکه شدند و با فشار به طرف آذری یک آتش بس موقتی اما طولانی ایجاد کردند که تا به امروز ادامه دارد و از طرف دیگر با القای این مسئله به آذری ها سعی داشتند به آنها بفهمانند تنها دوست آنها کشورهای غربی هستند.

اما اوضاع به همین جا ختم نشد و از آن پس طرف آذری که به علت بی کفایتی خود شکست سنگینی را متحمل شده بود سعی کرد این شکست را به گردن ایرانیها بیاندازد و در این راستا جنگ روانی ادامه داری را اجرا کردند که هر از گاهی از آن برای اعمال فشار بر ایران استفاده می کنند که نمونه اخیر آن سفر اخیر شیمون پرز ربیس رژیم صهیونیستی به باکو بود که مقامات آذری در پاسخ به اعتراض مقامات ایرانی ، اعلام کردند که شما نیز با ارمنستان رابطه دارید.

این ماجرا 15 سالی است که روابط دو طرف را تحت الشعاع قرار داده است و مقامات آذربایجان طوری افکار عمومی ملت خود را فریب داده اند که تمام آذری ها به روابط ایران و ارمنستان حساس هستند.

اما سوالی که در اینجا مطرح می شود این است که آیا روابط ایران و ارمنستان مشکل اصلی در روابط ایران و آذربایجان است آیا اگر ایران رابطه خود را با ارمنستان قطع کند روابط ایران و آذربایجان وارد مرحله جدیدی می شود و آذربایجان روابط اش را با رژیم اشغالگر قدس قطع می کند ، در پاسخ به این سوال باید گفت، اگر ج.ا.ا بطور یکجانبه روابط خود را با ارمنستان قطع کند و یا کلیه همکاری های خود را با این کشور به سطح پایین کاهش دهد ، هیچ افقی در روابط ایران و آذربایجان ایجاد نخواهد شد و آنها بخاطر این کار روابط خود را با رژیم صهیونیستی قطع نخواهند کرد و دست از جنگ روانی خود علیه ایران بر نمی دارند ، بلکه ممکن است برای مقطعی کمی به ایران روی خوش نشان بدهند اما باز مسئله جدید را در دستور کار خود قرار بدهند ، مسئله ای که در 10 سال گذشته بصورت پنهانی از طرف غربیها و بعضی از سران پان آذربیسیم آذربایجان دنبال می شود و آن بحث اتحاد آذربایجان می باشد. لذا باید گفت تا زمانیکه مقامات آذربایجانی دارای افکار پان آذریسمی و غربگرایانه و ضدشیعی می باشند نمی توان شاهد افق روشنی در روابط ایران و آذربایجان بود و این در حالی است که دو ملت ایران و آذربایجان مشترکات فرهنگی و مذهبی عمیقی با یکدیگر دارند و در بسیاری از مقاطع تاریخی دارای تاریخ مشترک می باشند ، در حال حاضر ج.ا.ا تلاش می کند ، نظام لغو روادید را میان دو کشور اجرا کند تا مردمان دو طرف به آسانی به شهرهای یکدیگر تردد کنند ، اما طرف آذری به علت ترس از دست دادن منافع خاص خود مانع اجرای آن می شوند ، امید است مقامات آذربایجان با تجدید نظر در رویکردهای خصمانه خود علیه ایران ، در تشخیص دوست و دشمن خود دقت بیشتری کنند و بدانند افزایش روابط ایران و آذربایجان در همه ابعاد و جلوگیری از نفوذ بیگانگان تنها عامل ایجاد ثبات دائمی در آذربایجان می باشد و به آنها توصیه می شود همانطور که دوستی "ادوارد شوارندادزه" با "جورج سوروس" باعث سقوط وی از قدرت شد ، رابطه دولت آذربایجان با اسرائیل نیز یک روز باعث سقوط دولت آذربایجان می شود ، امری که بصورت پنهانی و بدور از چشم مقامات آذری در حال وقوع می باشد و زمانی سران آذربایجان چشم باز می کنند که دیگر کار از کار گذشته است و آنگاه کل آذربایجان قره باغ خواهد شد.

پایان پیام.